

پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش

واسطه‌ای انگیزش مذهبی

قوام ملتفت^۱، بنت اهدی آذربون^۲

چکیده

این تحقیق با هدف پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس الگوی ارتباطی خانواده با واسطه‌گری انگیزش مذهبی در دانشجویان انجام گرفته است. بدین منظور نمونه‌ای مشتمل بر ۳۵۰ دانشجوی (۱۵۰ پسر و ۲۰۰ دختر) از بین دانشکده‌های (علوم تربیتی، مهندسی، علوم پایه و حقوق) دانشگاه شیراز به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردید، و به مقیاس‌هایی از قبیل، مقیاس رضایت از زندگی دینر و همکاران (۱۹۸۵)، مقیاس الگوی ارتباطی خانواده ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۴)، و مقیاس انگیزش موقعیتی گی، والرند و بلانچارد (۲۰۰۰) پاسخ دادند، پایایی و روایی مقیاس‌ها نیز محرز گردید. برای تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که بین الگوی ارتباطی خانواده و رضایت از زندگی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. بدین صورت که بعد گفت و شنود به طور مثبت و بعد همنوایی به طور منفی پیش‌بینی کننده رضایت از زندگی بودند. هم‌چنین نتایج نشان داد که الگوی ارتباطی خانواده بر انگیزش درونی مذهبی و بیرونی مذهبی اثر دارد. در نهایت اینکه انگیزش بیرونی نسبت به مذهب توانسته بین الگوی ارتباطی خانواده و رضایت از زندگی نقش واسطه‌ای ایفا کند. یافته‌ها با توجه به تحقیقات پیشین به بحث گذاشته و پیشنهادهای برای انجام پژوهش‌های بیش‌تر در این زمینه مطرح شده است.

واژه‌های کلیدی: رضایت از زندگی، گفت و شنود، همنوایی، انگیزش درونی مذهبی و انگیزش بیرونی مذهبی.

^۱ - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه یاسوج

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد

* - نویسنده مسؤل مقاله: moltafet@yu.ac.ir

مقدمه

در اواخر سده بیستم بخصوص از زمانی که سلیگمن ریاست انجمن روانشناسی امریکا را بر عهده گرفت، بجای تأکید بر جنبه‌های منفی وجودی انسان مانند اضطراب و افسردگی به توانمندی‌ها و نقاط قوت روانشناختی افراد پرداخته شد، که این حرکت را جنبش روانشناسی مثبت‌گرا نامیدند، در واقع «روانشناسی مثبت^۱» به جای تأکید بر جنبه‌های منفی زندگی، به شناخت و ارتقای وجوه مثبت و نقاط قوت انسان می‌پردازد (هریس و استاندارد^۲، ۲۰۰۱). روانشناسی مثبت‌گرا، طیف وسیعی از شاخص‌های بهداشت روانی، از جمله بهزیستی، امید، تاب‌آوری و رضایت از زندگی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. مراد از رضایت از زندگی، نگرش فرد، ارزیابی عمومی نسبت به کلیت زندگی خود و یا برخی از جنبه‌های زندگی، همچون زندگی خانوادگی و تجربه آموزشی است (دینر^۳، سان، لوکاس و اسمیت^۴، ۱۹۹۹). رضایت از زندگی به معنای ارزیابی شناختی و آگاهانه افراد از کیفیت زندگی خود به مثابه یک کل واحد است که اساس آن بر معیارهای شخصی آنها قرار دارد (کوئومما-هونکانن^۵، کاپریو^۶، هونکانن و کوسکنوو^۷، ۲۰۰۵). واژه رضایت از زندگی دارای تعاریف و ابعاد مختلفی است، روانشناسانی همچون آرگیل^۸ (۲۰۰۱) شادکامی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت، عدم عاطفه منفی و رضایت از زندگی تعریف می‌کند. همان‌گونه که در تعریف آرگیل مشخص شده است دو بعد شادی، رضایت از زندگی و فقدان عاطفه منفی است، وجود عواطف مثبت هیجانی و رضایت از زندگی جنبه شناختی شادی می‌باشد. رضایت از زندگی، از مولفه‌های نگرش مثبت افراد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند. تجربه شادکامی و رضایت از زندگی هدف برتر زندگی به شمار می‌رود و احساس غم و ناخرسندی اغلب مانعی در راه انجام وظایف فرد شمرده می‌شوند (آناس، ۱۹۹۳، به نقل از لاگین و هیوبنر، ۲۰۰۱).

رضایت از زندگی با شبکه‌ای از متغیرهای روانشناختی از جمله، عاطفه مثبت، عزت نفس و خوش بینی (لوکاس^۹، دینر و سو، ۱۹۹۶)، تعامل اجتماعی (گیبسون، ۱۹۸۶)، عوامل شخصیتی (امونس^{۱۰}

1. Positive psychology

2. Harris & Standard

3. Diener

4. Su & Smith

5. Koivumaa-Honkanen

6. Kaprio

7. Honkanen, Vinamaki, Koskenvuo

8. Argyle

9. Lucas

(امونس^۱ و دینر، ۱۹۸۵)، سطح درآمد، طبقه اجتماعی (جورج، ۱۹۸۱)، مذهب و سلامت روانی (ویلیتس و کرایدر، ۱۹۸۸) مرتبط است (کشاوری، مهرابی و سلطانی‌زاده، ۱۳۸۸). عوامل گوناگونی بر رضایت از زندگی اثر می‌گذارد. یکی از این عوامل مهم و اثرگذار نوع رابطه و تعاملات در خانواده است. خانواده همواره به عنوان مهمترین سیستم انسانی مورد توجه قرار داشته و تحقیقات حاکی از آن است که خانواده بر تمام رفتارهای فرد از جمله حیطه رفتارهای ارتباطی^۲ ارتباطی^۳ تأثیر دارد (فیتزپاتریک^۴ و ریچی^۵، ۱۹۹۴؛ برگر^۶ و لاکمن^۷، ۱۹۶۷؛ برلسون^۸، دلیا^۹ و اپلگیت^{۱۰}، ۱۹۹۵؛ مک‌لئود^{۱۱} و چفی^{۱۲}، ۱۹۷۲؛ ریس^{۱۳}، ۱۹۸۱؛ ریچی و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۰؛ به نقل از کوئر^{۱۴} و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). کلارک^{۱۵} (۱۹۹۷)، خانواده را سیستمی قانونگذار تعریف می‌کنند که اعضای آن به طور مداوم در حال تعریف و تعریف مجدد ماهیت روابط^{۱۶} خود بر مبنای الگوی ارتباطاتشان هستند. الگوهای ارتباطات خانوادگی متمایز از یکدیگر هستند. شناخت این الگوها به شناخت بعضی از جنبه‌های عملکرد خانواده کمک می‌کند. در واقع، شناخت انواع مختلف الگوها و سبک‌های ارتباطات خانوادگی علاوه بر توصیف، به پیش‌بینی و توضیح عملکرد خانواده و توصیه‌ها و تجویزهای مربوط به آن هم کمک می‌کند (کورشنیا، ۱۳۸۵).

یکی از مدل‌های مطرح در خانواده که به تعاملات در خانواده و نقش آن در سازگاری موثر با محیط پرداخته است مدل الگوی ارتباطی خانواده است. اصولاً مفهوم الگوی ارتباطی خانواده یا طرحواره‌های ارتباط خانواده، ساختار علمی از دنیای ظاهری خانواده است که براساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و اینکه اعضا چه چیز به یکدیگر می‌گویند و چه کار انجام می‌دهند و اینکه چه معنایی از این ارتباطات دارند، تعریف می‌شود (فیتزپاتریکو کوئر^{۱۷}، ۲۰۰۴). فیتزپاتریک و

1. Emmons

2. Communication behaviors

3. Fitzpatrick

4. Ritchie

5. Berger

15. Luckmann

7. Berleson

8. Delia

9. Applegate

10. McLeod

11. Chaffee

12. Reiss

13. Koerner

14. Clark

15. Shields

16. Relationships

ریچی (۱۹۹۴) دو مفهوم جهت‌گیری گفت و شنود و هم‌نوایی را دو بعد کلیدی تعیین‌کننده چگونگی ارتباط اعضای خانواده در این نظریه معرفی می‌کند. بعد هم‌نوایی مصداق و درجه‌ای از الگوی ارتباطی خانوادگی است که بر اعضاء در جهت یکسان کردن نگرش، ارزش‌ها و عقاید، فشار می‌آورد. بعد مهم دیگر در این الگو بعد گفت و شنود است که به درجه و مصداقی که خانواده، فضایی آزاد و راحتی را برای شرکت اعضای خانواده در موضوعات مختلف ایجاد می‌کنند، اشاره دارد.

یکی دیگر از عوامل مهم و اثرگذار بر رضایت از زندگی که تحت تأثیر خانواده و الگوی ارتباطی آن می‌باشد دینداری یا جهت‌گیری مذهبی می‌باشد. به عقیده اریکسون^۱ (۱۹۷۵) والدین با تأثیرگذاری خود در اولین مرحله رشد «من^۲» یعنی مرحله «ایجاد اعتماد^۳ در برابر بی‌اعتمادی» تأثیر مستقیم دارند. وی معتقد است که «اعتماد» در کودکی پایه و اساس ایمان در بزرگسالی است. ایمان به عنوان یک نیاز حیاتی، انسان را به سوی پذیرش دین سوق می‌دهد. پس هر گونه ضعف در سبک رفتاری و تربیتی والدین نسبت به فرزندانشان، موجب ایجاد حس بی‌اعتمادی شده و از نظر اریکسون ایجاد اعتماد یا بی‌اعتمادی در کودکان تأثیر مستقیم بر شیوه دینداری و سبک جهت‌گیری مذهبی آنان در آینده دارد.

انگیزش مذهبی دلایل ابزاری و غیرابزاری است که افراد در اعتقادات، باورها و اعمال مذهبی خود بیان می‌کنند، (آلپورت، ۱۹۶۷). از دیدگاه آلپورت جهت‌گیری مذهبی یا انگیزش مذهبی به دو صورت «درونی^۴» و «بیرونی^۵» می‌باشد. در جهت‌گیری مذهبی درونی، ایمان به خودی خود به عنوان یک ارزش متعالی تلقی می‌گردد و یک تعهد انگیزش فراگیر، نه وسیله‌ای، برای دستیابی به اهداف در نظر گرفته می‌شود. اما در جهت‌گیری مذهبی بیرونی، مذهب امری بیرونی و ابزاری برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، به عبارت دیگر دین‌داری برای کسب امنیت و پایگاه اجتماعی است و افرادی که چنین جهت‌گیری دارند از دین به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به حاجات خود استفاده می‌کنند (ملتفت، ۲۰۱۰). علاوه بر جهت‌گیری درونی و بیرونی با مطرح شدن نظریه خود تعیینی که انگیزش را پیوستاری از بی‌انگیزشی تا انگیزش درونی می‌داند به معرفی دو طیف دیگر انگیزش مذهبی تحت عنوان جهت‌گیری درون‌فکنی شده و همانندسازی شده می‌پردازد که در ذیل به آن اشاره شده است. ۱- سبک جهت‌گیری درون‌فکنی شده^۶: به معنای درونی شدن منبع انگیزش بیرونی براساس فشارهای

1. Erikson

2. Ego

3. Confidence

4. Intrinsic religious orientation

5. Extrinsic religious orientation

6. The regulatory light was breaking up

فشارهای درونی، مانند احساس گناه و اضطراب و تهدید خودپنداره. در واقع سبک تنظیمی همان اصطلاح وجدان در درون انسان است که هرگاه خطایی مخالف قوانین بیرونی وضع شده، صورت می‌گیرد، در انسان احساس گناه یا عذاب وجدان یا اضطراب به وجود می‌آید (ریان، ریگی و کینگ^۱، ۱۹۹۳).

۲- سبک جهت‌گیری همانندسازی شده^۲: در این سبک، رفتارها براساس ارزش‌ها و اهداف فردی درون‌سازی شده صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر در این شیوه تنظیمی دیگر احساس گناه ناشی از رفتار بیرونی، رفتار را تحریک نمی‌کند، بلکه انسان براساس عقاید و باورهای خود، که به آن دست‌یافته عمل می‌کند. در ارتباط با اثر خانواده یا عوامل بافتی و همچنین جهت‌گیری مذهبی بر رضایت از زندگی یا شاخص سلامت پژوهش‌های زیادی انجام گرفته، که با نمونه‌هایی از آنها در ذیل اشاره شده است، از جمله من^۳ (۱۹۹۱)، در پژوهش خود نشان داد خانواده اثر بیش‌تری نسبت به همسالان در رضایت از زندگی افراد دارند.

چیرکوف^۴ و ریان (۲۰۰۱) در پژوهشی که در ارتباط با نقش والدین در پیشرفت و بهزیستی نوجوانان انجام دادند، دریافتند که والدینی که در فعالیت فرزندان مشارکت دارند موجب ایجاد دموکراسی، انگیزش بالا، کسب نمره‌های بالاتر و بهزیستی بیش‌تر در دانش‌آموزان می‌شوند. لسکو^۵، زولکه^۶، استنک^۷ و ریان (۲۰۰۴) به بررسی نقش فشارهای محیط بیرون و بازخورد بر خودپیروی و تأثیر این دو بر بهزیستی پرداختند. نتایج آنها حاکی از این بود که فشارهای بیرونی با خودپیروی و بهزیستی رابطه منفی دارند. از طرف دیگر فراهم کردن بازخورد و ارتباط مثبت سهم معنادار مثبتی در پیش‌بینی شایستگی و بهزیستی و خودپیروی دارد.

ملتفت و خیر (۱۳۹۱)، در پژوهشی که در ارتباط با تعیین رابطه ادراک از والدین با بهزیستی روانشناختی در دانش‌آموزان انجام دادند، دریافتند که سبک کنترلی والدین به صورت منفی تمام مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین (کایدخورد، ملتفت و چین‌آوه، ۲۰۱۴؛ بخشی‌پور، ۱۳۸۴؛ آرسلان^۸، ۲۰۰۹؛ سپهری و مظاهری (۱۳۸۸)، نشان داده‌اند که بعد گفت و شنود با جنبه‌های مثبت از جمله بهزیستی و تاب‌آوری رابطه دارد.

1. Rigby & King

2. Identifid orientation

3. Man

4. Chirkov

5. Levesque

6. Zuehlke

7. Stanek

8. Arslan

خلیلی فر و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود نشان داده‌اند که، جهت‌گیری مذهبی نقش واسطه‌ای معنادار بین سبک فرزندپروری و معنا در زندگی ایفا می‌کند. هم‌چنین (فدایی، ۱۳۸۵ و شریفی، ۱۳۹۰)، نیز در پژوهش‌های خود نشان دادند، که سبک فرزندپروری سلطه‌گر و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی‌شده رابطه معنادار مثبت دارند و بین سبک فرزندپروری منطقی و جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه معنادار مثبت وجود دارد. پژوهش‌های دیگری نیز نشان داده‌اند که بین انگیزش مذهبی و پیامدهای مثبت وجود انسان از جمله بهزیستی، شادی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد، از جمله (رمضانی، نوایی‌نژاد و بواله‌ری، ۱۳۷۶؛ واحدی و غنی‌زاده، ۱۳۸۸؛ مالتبی^۱، لويس و دی^۲، ۱۹۹۹؛ ملتفت، مزیدی و ساداتی، ۲۰۱۰؛ (پترسون و روی^۳، ۱۹۸۵؛ پولما و پندلتون^۴، ۱۹۹۰؛ مایر و دینر، ۱۹۹۵؛ الیسون^۵ و الیسون^۵ و لوین^۶، ۱۹۹۸؛ لوین و چاترز، ۱۹۹۸؛ به نقل از مهشیوری و وسینگ^۷، ۲۰۰۹؛ الیسون و و فان^۸، ۲۰۰۸)، نشان دادند که انگیزش مذهبی با سلامت روانی، بهزیستی روانشناختی و رضایت از زندگی رابطه دارد.

در مجموع از نگاه خودتعیینی، زمانی که والدین از روش‌های کنترلی در ارتباط با فرزندپروری استفاده می‌کنند، ارضای نیازهای شایستگی و خودپیروی در فرزندان آسیب می‌بیند و منجر به اکتساب پیامدهای منفی می‌شود. ولی زمانی که روابط والدین با فرزندان بر مبنای حمایت از رفتارهای مستقلانه و مشارکت در دانش‌آموزان باشد، ارضای نیازهای اساسی تسهیل می‌شود و منجر به سازگاری روانی و بهزیستی در افراد می‌شود (ریان و دسی، ۲۰۰۰؛ دسی و ریان، ۱۹۸۵؛ نایمیک، لانچ و وانس‌تینکست، ۲۰۰۶). هم‌چنین مطابق نظریه خودتعیینی ریان و دسی (۲۰۰۰، ۱۹۸۵)، محیط و انگیزش به عنوان تسهیل‌گر عملکرد بهینه انسان، که می‌توان رضایت از زندگی را نیز یکی از مؤلفه‌های عملکرد بهینه دانست، شناخته شده است.

لذا این تحقیق با توجه به نتایج تحقیقات قبلی و نظریه خودتعیینی که بیان می‌کند عملکرد بهینه تابعی از شرایط بافتی و انگیزش افراد است؛ درصدد آن است که شکاف تحقیقات موجود را پر کند و برای اولین بار به بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده را با رضایت از زندگی به واسطه‌ی انگیزش مذهبی مورد کنکاش قرار دهد. چیدمان این متغیرها برای اولین بار است که خود یکی از

1. Maltby

2. Lewis & Day

3. Peterson & Roy

4. Polma&Pendelton

5. Ellison

6. Levin

7. Maheshwari & Singh

8. Ellison & Fan

سهم‌های عمده نظری در این تحقیق است. هم‌چنین پژوهش در این زمینه به منظور روشن شدن مکانیسم این ارتباط و تقویت بدنه دانش مربوطه و (براساس نتایج) رسیدن به راهکارهای عملی، ضروری به نظر می‌رسد.

روش

این تحقیق از نوع توصیفی (غیرآزمایشی) و همبستگی است که در آن الگوی ارتباطی خانواده به عنوان متغیر برون‌زاد و متغیر انگیزش مذهبی به عنوان متغیر واسطه‌ای و رضایت از زندگی به عنوان متغیر درون‌زاد در نظر گرفته شده‌اند.

نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شیراز تشکیل می‌داد که با استفاده از جدول مورگان در مجموع ۳۸۵ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، به عنوان گروه نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری بدین صورت بود که ابتدا از بین دانشکده‌های دانشگاه شیراز، چهار دانشکده (علوم تربیتی، مهندسی، علوم پایه و حقوق) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. سپس از بین دانشکده‌های انتخاب شده، ۲ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند. یعنی در مجموع ۸ کلاس به عنوان گروه نمونه انتخاب شد و همه اعضای کلاس به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. ۳۵ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شد. بنابراین در مجموع ۳۵۰ نفر (۱۵۰ نفر پسر و ۲۰۰ نفر دختر) به عنوان نمونه آماری در این تحقیق شرکت داشتند.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش از سه مقیاس استاندارد شده برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

الف- مقیاس رضایت از زندگی دینر^۱ (SWLS):

مقیاس رضایت از زندگی یک مقیاس پنج‌گویه‌ای است که توسط دینر و دیگران (۱۹۸۵) ایجاد شده و هر گویه روی طیف لیکرتی هفت‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) نمره‌گذاری می‌شود به طوری که دامنه احتمالی نمره‌ها روی پرسشنامه می‌تواند از ۵ (رضایت پایین) تا ۳۵ (رضایت بالا) در نوسان باشد. دینر و همکاران (۱۹۸۵) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰.۸۷٪ و ضریب پایایی بازآزمایی آن را ۰.۸۲٪ گزارش کردند. پاوت و همکاران (۱۹۹۸) علاوه بر اینکه برای این پرسشنامه روایی همگرایی مطلوب نشان دادند، پیشنهاد کردند این مقیاس هنوز هم از بسیاری از سازه‌ها مانند افسردگی، عاطفه مثبت و منفی، عزت‌نفس، برونگرایی، روان‌نژندگرایی، اضطراب، شادکامی و آشفتگی‌های روان‌شناختی قابل تفکیک می‌باشد. روایی سازه

^۱. Satisfaction With Life Scale (SWLS)

این مقیاس از طریق روایی همگرا با استفاده از فهرست شادکامی آکسفورد^۱ OHI (آرگایل، ۲۰۰۱) و فهرست افسردگی بک^۲ BDI (بک و دیگران، ۱۹۶۱) برآورد شد. در این تحقیق پایایی این پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰.۸۴٪ به دست آمد و روایی آن نیز از طریق محاسبه همبستگی نمره هر گویه با نمره کل مقیاس بررسی شد که دامنه ضرایب بین ۰.۶۳٪ تا ۰.۸۳٪ به دست آمد که همه ضرایب در سطح ۰.۰۱٪ معنادار بودند.

ب- مقیاس تجدید نظر شده الگوی ارتباطی خانواده (RVFCPQ^۳):

به منظور بررسی ابعاد الگوی ارتباطی خانواده یعنی بعد جهت‌گیری گفت و شنود و بعد هم‌نوایی از ابزار تجدیدنظر شده الگوی ارتباطی خانواده که توسط ریچی و فیتزپاتریک در سال ۱۹۹۴، که برای این منظور تهیه شده، استفاده شد. این ابزار یک پرسشنامه خود گزارشی است که میزان موافقت یا عدم موافقت پاسخ دهنده را با ۲۶ گزاره که درباره وضعیت ارتباطات خانواده هستند، در دامنه ۵ درجه‌ای مورد سؤال قرار می‌دهند. ۱۵ گزاره اول مربوط به بعد جهت‌گیری گفت و شنود و ۱۱ گزاره بعدی مربوط به جهت‌گیری هم‌نوایی است. در پژوهش‌هایی که در ایران به وسیله کورش‌نیا (۱۳۸۵) و کشتکاران (۱۳۸۷) صورت گرفته است روایی این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت. کورش‌نیا (۱۳۸۵) پایایی (ضریب آلفای کرونباخ) این مقیاس را ۰.۸۷٪ برای بعد جهت‌گیری گفت و شنود و ۰.۸۱٪ برای بعد جهت‌گیری هم‌نوایی گزارش کرده است. در این تحقیق جهت تعیین روایی مقیاس الگوی ارتباطی خانواده روش تحلیل عوامل محاسبه گردید. ساختار عاملی مقیاس الگوی ارتباطی خانواده با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس بدست آمد. دو شاخص KMO و آزمون کرویت بارتلت محاسبه شد. مقدار KMO برابر ۰.۹۳٪ و مقدار خی دو معنادار بود ($P < 0.001$). که این مسأله بیانگر کفایت نمونه‌برداری و قابل توجیه بودن تحلیل عاملی بود. نتایج حاکی از دو عامل بود که دامنه بار عاملی از ۰.۵۷٪ تا ۰.۷۴٪ بود و دو عامل در مجموع ۰.۶۰٪ واریانس را تبیین می‌کرد. که این مسأله بیانگر روایی مقیاس مذکور است. برای پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که برای گفت و شنود ۰.۹۲٪ و برای بعد هم‌نوایی ضریب ۰.۸۸٪ بدست آمد.

ج- مقیاس انگیزش موقعیتی (SIMS^۴):

برای ارزیابی انگیزش مذهبی دانشجویان، از مقیاس خودگزارشی گی^۵، والرند^۱ و بلانچارد (۲۰۰۰)، که براساس نظریه دسی و ریان تنظیم شده، استفاده شد. این مقیاس دارای ۱۵ سؤال است که

1. Oxford Happiness Inventory (OHI)

2. Beck Depression Inventory (BDI)

3. Revised Version of Family Communication Pattern Questionnaire

4. Situational Motivational Scale

5. Guay

آزمودنی‌ها پاسخ‌های خود را در اندازه ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم مشخص می‌کردند. نام دقیق این پرسشنامه انگیزشی موقعیتی^۱ است که می‌تواند برای هر موقعیت و حالتی استفاده شود. در این تحقیق مقیاس برای انگیزش مذهبی استفاده می‌شود که در ابتدای پرسشنامه سؤالی بدین صورت مطرح گردید. چرا شما در امر مذهب کوشا هستید؟ پاسخ‌های آزمودنی‌ها به این سؤال در چهار مؤلفه اصلی (بی‌انگیزشی، تنظیم بیرونی، تنظیم همانندشده و انگیزش درونی) مورد اندازه‌گیری قرار گرفت.

برای بررسی روایی و پایایی این آزمون، ۵ مطالعه به صورت جداگانه توسط گی و همکاران (۲۰۰۰)، انجام شده که در هر پنج مطالعه به این نتیجه رسیدند که ضرایب پایایی مقیاس مذکور با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۵ می‌باشد، در این تحقیق جهت تعیین روایی از روش تحلیل عوامل استفاده شد. ساختار عاملی مقیاس انگیزش با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس بدست آمد. جهت انجام تحلیل عاملی از کل نمونه آماری (۳۵۰ نفر) استفاده شد. دو شاخص KMO و آزمون کرویت بارتلت محاسبه شد. مقدار KMO برابر ۰/۹۲ و مقدار خی دو معنادار بود ($P < ۰/۰۱$). نتایج حاکی از دو عامل کلی بود که ۶۱ درصد واریانس را تبیین می‌کرد، و با توجه به گویه‌ها دو عامل به عنوان انگیزش درونی نسبت به مذهب و انگیزش بیرونی نسبت به مذهب نامگذاری گردید. دامنه بار عاملی از ۰/۶۲ تا ۰/۸۳ بود که این مسأله حاکی از روایی مقیاس مذکور است. برای محاسبه پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید، که برای انگیزش درونی نسبت به مذهب ضریب ۰/۸۲ و برای انگیزش بیرونی نسبت به مذهب ضریب ۰/۹۲ بدست آمد که این مسأله نیز نشانگر پایایی مقیاس مذکور است.

یافته‌ها و نتایج:

روش آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها:

داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در سطح توصیفی به گزارش میانگین، انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه و در سطح استنباطی ماتریس همبستگی و آزمون مدل‌های مفروض با استفاده از تحلیل مسیر، مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا به ارائه شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده و سپس ماتریس همبستگی بین متغیرها ارائه شده است. جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرها و جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه را نمایش می‌دهد.

1. Vallerand

2. Situational motivational scale (SIMS)

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش

نام متغیر	کل	
	SD	M
رضایت از زندگی	۷/۰۳	۲۰/۵۲
گفت‌وشنود	۱۱/۰۹	۴۸/۶۹
همنوایی	۸/۵۸	۲۹/۰۱
انگیزش درونی نسبت به مذهب	۸/۸۲	۳۶/۷۵
انگیزش بیرونی نسبت به مذهب	۴/۱۳	۹/۷۳

با توجه به اینکه ماتریس همبستگی مبنای تجزیه و تحلیل رگرسیون و مدل‌های علی است، ماتریس همبستگی متغیرهای مورد پژوهش در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱- رضایت از زندگی	۱			
۲- گفت و شنود	* %۴۲	۱		
۳- همنوایی	* %۳۰	* %۴۵	۱	
۴- انگیزش درونی نسبت به مذهب	***** %۱۱	* %۲۰	* %۱۵	۱
۵- انگیزش بیرونی نسبت به مذهب	** %۲۲	* %۱۶	** %۲۰	* %۳۴

$N=350$ * $P < .01$ *** $P < .005$

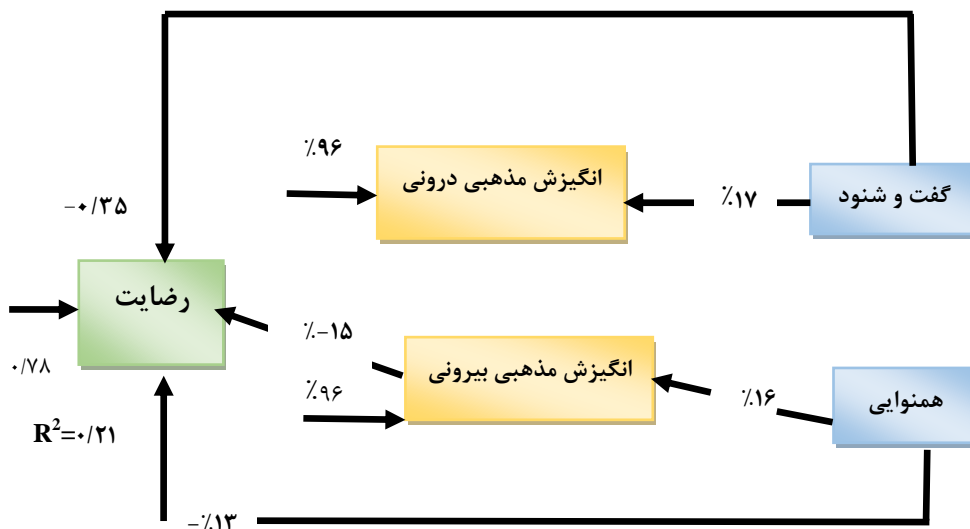
همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود انگیزش بیرونی نسبت به مذهب و همنوایی به ترتیب با ضرایب $-.22$ ، $-.30$ به صورت منفی با رضایت از زندگی رابطه معنادار دارد. و متغیرهای گفت و شنود و انگیزش درونی نسبت به مذهب به ترتیب با ضرایب $.42$ ، $.11$ به صورت مثبت با رضایت از زندگی رابطه معنادار دارد. سایر همبستگی‌ها در جدول آمده است. با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی نقش واسطه‌ای انگیزش مذهبی در رابطه بین الگوی ارتباطی خانواده و رضایت از زندگی می‌باشد، در جدول ۳ ضرایب مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای پژوهش همراه با سطح معناداری آنها آورده شده است.

جدول ۳: اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر یکدیگر

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
به روی رضایت از زندگی	٪۳۵ *	—	٪۴۰	٪۲۱
گفت و شنود	٪۱۳*	٪۰۳	—	
همنوایی	٪۰۷	—	—	
انگیزش درونی مذهبی	٪۱۵*	—	—	
انگیزش بیرونی مذهبی				

$P < / . 0 1 *$

همان‌گونه که در نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، گفت و شنود به صورت مثبت با بتای ٪۳۵ و همنوایی و انگیزش بیرونی نسبت به مذهب به ترتیب با بتای ٪۱۳-، ٪۱۵-، به صورت منفی اثر مستقیم بر رضایت از زندگی دارد. هم‌چنین اثر کل گفت و شنود بر رضایت از زندگی ٪۴۰ در سطح $P < / . 0 0 1$ معنادار است. اثر غیر مستقیم همنوایی ٪۰۳ می‌باشد. در ضمن میزان واریانس تبیین شده رضایت از زندگی در مدل ٪۲۱ می‌باشد. در این راستا، شکل ۱ مدل نهایی را نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل اصلاح شده اثر الگوی ارتباطی خانواده بر رضایت از زندگی با نقش واسطه‌ای انگیزش مذهبی

لازم به ذکر است شاخص‌های RMSEA و GFI^۱ و میزان تناسب را نشان می‌دهد که شاخص RMSEA هر چه نزدیک به صفر باشد نشانگر برازش بهتر مدل است و سایر شاخص‌ها اگر بالای ۰/۹۰ باشد نشانگر برازش بهتر مدل دارد. در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل آورده شده است. جدول ۴ مشخصه‌های برازش مدل را نشان می‌دهد.

RMSEA	GFI	NFI	CFI
۰/۰۵	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۱

با توجه به مشخصه‌های نکویی برازش که در جدول ۴ گزارش شده مدل مذکور از سطح برازش نسبتاً خوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی رابطه میان الگوی ارتباطی خانواده و رضایت از زندگی با توجه به نقش واسطه‌ای انگیزش مذهبی انجام گرفته است. برای نیل به این هدف با توجه به پیشینه نظری و تجربی متغیرهای مورد پژوهش یک مدل مفهومی پیشنهاد و با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که مدل پیشنهادی با داده‌های این تحقیق برازش نسبتاً خوبی دارد و توانسته است ۲۱ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین کند. بدین صورت که گفت و شنود به صورت مثبت و همنوایی و انگیزش بیرونی مذهبی به صورت منفی سهم معنادار در پیش‌بینی رضایت از زندگی داشتند. هم‌چنین متغیرهای برون‌زاد علاوه بر اثر مستقیم دارای اثر غیرمستقیم نیز بودند. نتایج حاکی از آن بود که انگیزش مذهبی توانسته است نقش واسطه‌ای مناسب را ایفا نماید. اما از بین بعدهای انگیزش مذهبی، انگیزش بیرونی مذهبی با رضایت از زندگی رابطه منفی معنادار نشان داد.

هر چند پژوهشی در زمینه تدوین مدل ساختاری براساس این متغیرها با رضایت از زندگی در حد بررسی‌های انجام شده برای این موضوع، صورت نگرفته است، اما تأثیر هر یک از متغیرها به صورت مجزا به نوعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد مطالعه قرار گرفته و کارایی آنها در افزایش رضایت از زندگی افراد بررسی شده است. از این جهت یافته‌های این تحقیق با یافته‌های پژوهش (دسی و ریان، ۱۹۸۵؛ ویلیتس و کرایدر، ۱۹۸۸؛ من، ۱۹۹۱؛ لوکاس، دینر و سو، ۱۹۹۶؛ اسپیلکا و دیگران، ۱۹۹۹؛ ریان و دسی، ۲۰۰۰؛ دسی و ریان، ۲۰۰۰؛ چیرکوف و ریان، ۲۰۰۱؛ لسکو، زولکه، استنک و ریان، ۲۰۰۴؛ فیتزپاتریک و کوئر، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴؛ نایمیک، لانج و وانس‌تینکست، ۲۰۰۶؛ نایمیک و همکاران، ۲۰۰۶؛ مهشیوری و سینک، ۲۰۰۹؛ آرسلان، ۲۰۰۹؛ ملتفت و همکاران، ۲۰۱۰؛ ملتفت و خیر، ۱۳۹۱؛ خلیلی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳؛ شریفی، ۱۳۹۰؛ فدایی، ۱۳۸۵؛ بخشی پور و همکاران، ۱۳۸۴؛ سپهری و مظاهری، ۱۳۸۸؛ واحدی و غنی زاده،

۱۳۸۸؛ رضانی، نوایی نژاد و بوالهروی، ۱۳۷۶) همسو است. چرا که این پژوهشگران نیز نشان داده‌اند، که الگوی ارتباطی خانواده تأثیرات قابل توجهی بر همه ابعاد تفکر، نگرش و شخصیت افراد دارد، که از جمله آنها نگرش نسبت مذهب و رضایت از زندگی است. در مجموع از نگاه خودتعیینی، زمانی که والدین از روش‌های کنترلی در ارتباط با فرزندپروری استفاده می‌کنند، ارضای نیازهای شایستگی و خودپیروی در فرزندان آسیب می‌بیند و منجر به اکتساب پیامدهای منفی می‌شود. ولی زمانی که روابط والدین با فرزندان بر مبنای حمایت از رفتارهای مستقلانه و مشارکت در دانش‌آموزان باشد، ارضای نیازهای اساسی تسهیل می‌شود و منجر به سازگاری روانی و بهزیستی در افراد می‌شود (ریان و دسی، ۲۰۰۰؛ دسی و ریان، ۱۹۸۵؛ نایمیک، لانچ و وانس تینکست، ۲۰۰۶). به همین جهت رابطه مثبت گفت و شنود بر رضایت و رابطه منفی همنوایی بر رضایت قابل توجیه است چرا که همنوایی نوعی سبک کنترلی است که تحقیقات نشان داده سبک کنترلی اثر منفی بر پیامدهای مثبت وجودی انسان از جمله شادی، امید، بهزیستی و رضایت از زندگی دارد. در توجیه رابطه منفی انگیزش بیرونی نسبت به مذهب با رضایت از زندگی می‌توان بیان نمود که، کسانی که دین را در جهت رفع نیازهای اجتماعی خود می‌خواهند و به اصل آن توجه ندارند، از سلامت روانی پایینی برخوردارند. به عبارت دیگر، افراد با انگیزش درونی باورهای مذهبی‌شان را درونی می‌کنند، در حالی که افرادی با انگیزش بیرونی رویکرد منفعت طلبی را بر می‌گزینند (فرهینگ^۱، مایلر و شاو^۲، ۱۹۹۷؛ میکلی^۳، سوکن و بلچر^۴، ۱۹۹۲). مالتبی^۵، لوئیس و دی^۶، (۱۹۹۹)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که همبستگی‌های مثبتی بین جهت‌گیری درونی مذهبی و بهزیستی روانشناختی وجود دارد. هر چند که در ادبیات پژوهش همان‌طور که ذکر شد این چنین به نظر می‌رسید که انگیزش درونی مذهبی بر رضایت از زندگی تأثیر مثبت و معنادار دارد، در این تحقیق از نتایج تحلیل رگرسیون به روش بارون و کنی این رابطه مشاهده نگردید. در تبیین این ناهماهنگی می‌توان به سن آزمودنی‌ها و جوان بودن آنها اشاره کرد، چرا که این افراد در حال شکل‌گیری هویت خود هستند و شاید هنوز به یک هویت اکتساب شده دست پیدا نکرده‌اند. به نظر اگان^۷ و دیگران (۲۰۰۴) اغلب تحقیقات در این زمینه، نقش سن را نادیده گرفته‌اند، به همین دلیل آنها به نقش متغیرهای دموگرافیک در مطالعه رابطه بین مذهب و دیگر متغیرها تأکید دارند.

1. Ferhing

2. Miller & Shaw

3. Mickly

4. Soeken & Belcher

5. Maltby

6. Lewis & Day

7. Egan

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد که دوره‌هایی در جهت آگاهی دادن به مشاوران در مورد عواملی که در رضایت از زندگی دخالت دارند، برگزار گردد. زیرا این دوره‌ها می‌تواند آنها را در درمان روانشناختی بسیاری از مشکلات توانمندتر از قبل سازد. از جمله اینکه والدین می‌توانند با تأکید بر ارتباط مثبت خانوادگی، مانند رفتارهای مشارکتی و حمایتی مانند گوش‌دادن، اجتناب از زبان کنترلی، فراهم کردن بازخورد اطلاعاتی، کاهش فشارهای روانی و رفتاری، ایجاد اسناد درونی در کسب موفقیت، مجبور نکردن فرزندان به پذیرش خواسته‌های خود، تشویق به تفکر مستقل، تأیید شایستگی، اجازه شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، زمینه تجربه کردن پیامدهای مطلوب از جمله رضایت از زندگی را برای فرزندان فراهم کنند. همچنین بایستی به مقوله گفت و شنود تأکید بیشتری شود و خانواده‌ها را تشویق کرد که در خانه فضای گفت و شنود را فراهم کنند که این مسأله بر نگرش مذهبی و رضایت از زندگی اثر دارد، به علاوه پیشنهاد می‌شود که دوره‌هایی برگزار شود که اهمیت مذهب و نگرش مذهبی و تأثیر آموزه‌های مذهبی بر روی رضایت از زندگی افراد را برای دانشجویان و والدین توضیح دهد و تبیین انگیزش مذهبی کارآمد، می‌تواند نگرش افراد نسبت به این موضوع مهم در زندگی را تغییر دهد و در صورت مشاهده علائم انگیزش مذهبی ناکارآمد برای اصلاح آن اقدام کنند. علاوه بر این با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان کارگاه‌هایی در زمینه برقراری ارتباط مؤثر با فرزندان برای خانواده‌ها برگزار کرد و در آن درباره اهمیت گفت و شنود و ارتباط مؤثر اطلاعات زیادی در اختیار والدین قرار داد. در نهایت اینکه پژوهش در جامعه اسلامی و بر نمونه‌های مسلمان اجرا شده است، بدیهی است که نتایج آن را نمی‌توان بر همه جوامع تعمیم داد. علاوه بر آن در بررسی سن باید در پژوهش‌های آتی به دامنه وسیع‌تری از سن توجه داشت. اما علی‌رغم این نکات به این دستاورد باید تأکید داشت که بهره‌گیری از آزمون‌های مختلف و کاهش خطای احتمالی در اندازه‌های مربوط به مطالعات مذهبی می‌تواند نتایج متنوع‌تری را پدید آورد. با توجه به اهمیت سطح رضایت از زندگی افراد جامعه، پیشنهاد می‌شود که این تحقیق در جامعه‌ای بزرگتر انجام گیرد تا نتایج آن را بتوان به جامعه گسترده‌تری تعمیم داد. همچنین پیشنهاد می‌شود که پژوهش در این زمینه با تأکید بیشتر بر مذهب از طریق پژوهش کیفی انجام بگیرد.

منابع

- بخشی پور، عباس (۱۳۸۷). "رابطه رضایت از زندگی، سبک مساله‌گشایی و نگرش مذهبی با سلامت روانی". **فصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز**، سال ۳ (۹)، صص ۲۶-۹.
- بخشی پور و دوسری، عباس؛ پیروی، حمید؛ عابدیان، احمد (۱۳۸۴). "بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان". **فصلنامه اصول بهداشت روانی**، سال ۷، شماره بیست و هفتم و بیست و هشتم، صص ۱۴۵-۱۵۲.
- بیانی، علی اصغر؛ محمد کوچکی، عاشور؛ گودرزی، حسنیه (۱۳۸۶). "اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی". **فصلنامه روانشناسان ایرانی**، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۲۵۹-۲۶۵.
- بدری گرگری، رحیم؛ فرید، ابوالفضل (۱۳۹۱). "رابطه بین جهت‌گیری مذهبی درونی و رفتارهای سلامت جسمی، روانی و معنوی و نقش واسطه‌ای ارزیابی چالش‌برانگیز بودن". **راهبرد فرهنگ**، شماره ۲۰، صص ۶۸-۸۲.
- سپهری، صفورا؛ مظاهری، محمدعلی (۱۳۸۸). "الگوهای ارتباطی خانواده و متغیرهای شخصیتی در دانشجویان". **روانشناسی تحولی: فصلنامه روانشناسان ایرانی**، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۴۲-۱۵۰.
- شریفی، فاطمه (۱۳۹۰). "بررسی رابطه ادراک دانش‌آموزان از سبک‌های فرزندپروری با خودتنظیمی تحصیلی و جهت‌گیری مذهبی آنان در مدراس متوسطه ناحیه دو شهر کرمان". **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه فردوسی مشهد.
- خلیلی‌فر، مینا؛ کاظمی، سلطانه‌لی؛ جاویدی، حجت‌اله (۱۳۹۳). "نقش واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی برای سبک‌های فرزندپروری و معنای زندگی در دانش‌آموزان پایه سوم دوره دبیرستان شهر شیراز". **روش‌ها و مدل‌های روانشناختی**، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۷۳-۵۹.
- کشاوری، امیر؛ مهربانی، حسینعلی؛ سلطانی‌زاده، محمد (۱۳۸۸). "پیش‌بینی کننده‌های روان‌شناختی رضایت از زندگی". **روانشناسی تحولی: فصلنامه روانشناسان ایرانی**، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۵۹-۱۶۸.
- کوروش‌نیا، مریم (۱۳۸۵). "بررسی تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده بر میزان سازگاری روانی فرزندان". **پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی**، دانشگاه شیراز.

کشتکاران، طاهره (۱۳۸۷). "بررسی تأثیر الگوهای ارتباطات خانواده بر خودپنداره تحصیلی با واسطه‌گری انگیزه تأیید والدین". **پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی**، دانشگاه شیراز.

فدایی، مژگان (۱۳۸۵). "بررسی رابطه ادراک فرزندان از سبک فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبایی". **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه علامه طباطبایی.

رضانی، ولی‌ا...؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ بوالهری، جعفر (۱۳۷۶). "بررسی ارتباط جهت‌گیری درونی و بیرونی با سلامت روانی پیروان سه دین زرتشت، مسیح و اسلام". ارائه شده در اولین همایش نقش دین در بهداشت روانی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۳۳-۴۰.

ملتفت، قوام؛ خیر، محمد (۱۳۹۱). "رابطه ادراک دانش‌آموزان از سبک انگیزشی و رفتاری والدین با بهزیستی روانشناختی در آنها". **مجله روانشناسی**، ۶۳، سال شانزدهم، شماره ۳، صص ۲۸۳-۲۹۸.

واحدی، شهرام؛ غنی زاده، سمیه (۱۳۸۸). "الگوی تحلیل مسیر روابط بین انگیزش درونی مذهبی، نماز، بهزیستی معنوی و کیفیت زندگی با بهزیستی روانشناختی دانشجویان". **فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش در سلامت روانشناختی**، دوره سوم، شماره دوم، صص ۲۸-۴۲.

هاشمی، زهرا (۱۳۸۵). "بررسی رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی با ابعاد هویت و سبک‌های هویت در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز". **پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی**، دانشگاه شیراز.

Allport, G. W. (1967). "personal orientation and prejudice religious". **journal of personality and social psychology**, 5, 432- 443.

Argyle, M (2001). **The Psychology of Happiness**, London: Routledge.

Arslan, C. (2009). Anger, self-esteem, and perceived social support in adolescence. **Social Behavior and Personality**, 37 (4), 555-564.

Chirkov, V., Rayan, R. (2001). Parent and teacher autonomy support in Russian and u.s. adolescence common effect on well-being and academic motivation. **Journal of cross-cultural psychology**, 32(5), 618-635.

Diener, E. lucas, R.E. & Oishi, S. (2002). Subjective well-being. In R.C. Snyder, & S. J. Lopez (Ed.), **Handbook of positive psychology**. Oxford: Oxford University Press.

Diener, E. E., Sun, M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). Subjective well being: Three decades of progress. **Psychological Bulletin**, 125, 267-302.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). " The "what" and "why" of Goal pursuits : Human Needs and the self-determination of Behaviour". **Psychogy Inquiry**, Vol. 11, No. 4, PP. 227-286.

Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The Satisfaction with Life Scale. **Journal of Personality Assessment**, 49, 71-75.

Egan, E.; Kroll, J.; Carey, K.; Johnson, M. & Erickson, P. (2004). Eysenck Personality Scales and Religiosity in a US Outpatient Sample. **Personality and Individual Differences**, 37, 1023-1031.

Ellison, C. G., & Fan, D. (2008). Daily Spiritual Experiences and Psychological Well-being among US Adults. **Soc Indic Res**, 88:247-271.

Erikson, Erik. (1975). **Life History and the Historical Moment.**, New York: W.w.norton.

Falsetti, S.A., Resick, P.A., & Davis, J.L. (2003). Changes in Religious Beliefs Following Trauma. **Journal of Traumatic Stress**, 16, 391-398.

Fitzpatrick, M. A., & Koener, A.F. (2004). **Family communication schema effect on children s resiliency running head: Family communication schemata, the evolution of key mass commiunication concepts: Honoring Jack M. McLeod**, 115-139.

Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L.D. (1994). **communication schemata within thefamily**: Multiple perspectives on family interaction. **Human Commiunication Research**, 20, 275-301.

Gay, F., Vallerand, R. & Blanchard, C. (2000). On The Assessment of Situational Intrinsic and Extrinsic Motivation: The Situational Motivation Scale (SIMS). **Motivatio and Emotion**, 24. 3, 173-213.

Harris, A. H. & Standard, S. (2001) "Psychometric Properties of the Life Regard Index-Revised: A Validation Study of a Personal Measure of Personal Meaning", **Psychological Report**, 89, PP, 759-773.

Kayedkhordeh, H. Ghavam, M. ,& Ghinaveh, M. (2014). The Relationship between Dimension of Family Communication Pattern and Satisfying the Basic Psychology Needs in High School Student. **American Journal of Science Researches**. Vol. 2, Issue 1, PP, 19-26.

Koerner, F.A., & Fitzpatrick, M. A. (2002). "**Undrestanding family communication pattern and family functioning**: The roles of conversation orientation and conformity orientation". *Communica*68.

Koivumaa-Honkanen, H., Kaprio, J., Honkanen, R. J., Vinamaki, J, Koskenvuo, M.(2005). The stability of life satisfaction in a 15- year follow-up of adult Finnshealthy at baseline. **BMC Psychiatry**, 5, 4.

Loughlin, J. E., & Huebner, E. S. (2001). Life experience, locus of control and school satisfaction in adolescence, **Social Indicators Research**, 55, 156-183.

Levesque, C., Zuehlke, A. N., Stanek, L. R., & Ryan, R. M. (2004). Autonomyand competence in German and American university students: Acomparative study based on self-determination theory. **Journal ofEducational Psychology**, 96, 68–84.

Maltby, J., Lewis, C. A. & Day, L. (1999). Religious orientation and psychological well-being:The role of the frequency of personal prayer. **British Journal of Health Psychology**, 4, 363-378.

Maltby, J., McCollam, P., & Millar, D. (1994). Religiosity and Obsessionality: ARefinement. **Journal of Psychology**, 128, 609-611.

Maltby, J., Talley, M., Cooper, C., & Leslie, J.C. (1995). Personality Effectsin Personal and Public Orientation Ttoward Religion. **Personality andIndividual Differences**, 19, 157-163.

Maltby, J., (1999). Religious Orientation and Eysenck's Personality Dimensions: The Use of the Amended Religious Orientation Scale to examine the Relationship Between Religiosity, Psychoticism and Extraversion. **Personality and Individual Differences**, 26, 79-84.

Maltby, J. (1995). Personality, Prayer and Church Attendance among U.S.Female Adults. **The Journal of Social Psychology**, 135, 529-531.

Maheshwari, S. & Singh, P. (2009). Psychologicalwell-being andpilgrimage: Religiosity, happiness andlife satisfaction of Ardh-KumbhMela pilgrims (Kalpvasis) at Prayag, India Asian **Journal of SocialPsychology**, 12, 285-292.

Man, P. (1991). The influence of pears and parents on youth life satisfaction in hongkong. **Social Indicattirs Research**, 24, PP 347-365.

Moltafet, GH. Mazidi, M. Sadati, S. (2010). Personality traits, religious orientation and happiness. **Procedia Social and Behavioral Sciences** 9, PP 63–69.

Niemiec, C.P., Lynch, M. F., Vansteenkiste, M., Bernstein, J., Deci, E. L. & Ryan, R.M. (2006). The antecedents and consequences of autonomous self regulation for college: A self-determination theory perspective on socialization. **Journal of Adolescence**, 29 (2006) 761–775.

Niemiec, C.P., Lynch, M. F. & Vansteenkiste, M.(2006).The antecedents and consequence of autonomous self-regulation for college. A self-determination theory perspective on socialization. **Journal of Adolescence**. 29, 761-775.

Pavot W, Diener E, Suh, E. (1998). The temporal satisfaction with life scale. **Journal of Personality Assessment**, 70, 340- 354.

Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2000). "self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being". **American psychology**, Vol. 55, PP. 68-78.

Ryan, R. M., Rigby, S., King, K. (1993). Two types of religious internalization and their relations to religious orientation and mental health. **journal of personality and social psychology**, 65, 586 – 596.